

راهبردهای مقابله با سلطه فرهنگی نظام استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

علی اکبر جعفری^۱
سیدمحمدجواد قربی^۲

چکیده

استکبار جهانی و جریان تاریخی امپریالیسم همواره مترصد برتری یابی نسبت به سایر کشورهای جهان بوده‌اند و به نوعی خود را داعیه‌دار جهان می‌دانند و به همین دلیل از هر شیوه و ابزاری برای سیطره یافتن بر سایر کشورها بهره می‌گیرند. مستکبرین جهانی در ابتدای حرکت خود از شیوه‌های نظامی در راستای تحقق اهدافشان بهره گرفتند اما با گذشت زمان و ظهور تکنولوژی‌های جدید و اهمیت یافتن کسب مشروعیت، این جریان به سوی سلطه فرهنگی روی آورد، به گونه‌ای که برای تسخیر کشورهای غیرهمسو به ابزار و شیوه‌های فرهنگی متوسل شدند و امام خمینی(ره) به عنوان پرچمدار مبارز با مستکبرین و سلطه‌گران فرهنگی در قرن اخیر، همواره به ملت‌های اسلامی هشدار داده‌اند و آنها را در خصوص ماهیت خطرناک سلطه فرهنگی بر حذر داشته‌اند. ایشان علاوه بر هشدار دادن نسبت به ماهیت متحول گشته استکبار و ترفندهای آنها، به روشن‌سازی راهبردهای سلطه‌گران در عرصه‌ی فرهنگی می‌پردازند. با این وجود، پژوهش حاضر مترصد است با بهره‌گیری از روش اکتشافی - اسنادی و کنکاش در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی(ره) به این پرسش اساسی پاسخ دهد که امام خمینی(ره) برای مقابله با ترفندهای استکبار جهانی برای تحقق سلطه در عرصه فرهنگی، چه راهبردهایی را تجویز می‌نمایند؟ یافته‌های پژوهش در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) به این قرار است که امام خمینی(ره) برای مقاومت‌سازی فرهنگی در برابر سلطه فرهنگی و تهدیدات براندازانه استکبار، راهبردهای زیر را ارائه می‌دهند؛ شناخت کامل فرهنگ خودی، تعمیق و پاسداشت از فرهنگ دینی، زمینه‌سازی برای استقلال فرهنگی و پرهیز از وابستگی فرهنگی، صیانت از هویت انسانی - اسلامی، ایجاد اتحاد در جامعه، بسترسازی برای همگرایی دینی، گسترش فرهنگ مقاومت، مقابله با رواج اخلاق فاسده، مدیریت جریان‌های وابسته به غرب، صیانت از الگوها و مفاخر ملی، سیطره بر اذهان و قلوب ملت، خنثی‌سازی تبلیغات فرهنگی دشمنان

کلید واژه‌ها: استکبار جهانی، امام خمینی(ره)، سلطه فرهنگی، امپریالیسم، وابستگی فرهنگی، راهبردهای مقابله

۱- Email: A.jafari@umz.ac.ir

۱- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران(نویسنده مسئول)

۲- Email: ghorbi68@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی(ره) و

انقلاب اسلامی

مقدمه

در اواخر قرن بیستم حوادث و اتفاقاتی رخ داد که هم عوامل قدرت و هم ساختار نظام بین‌المللی را متحول ساخت. در عرصه‌ی سیاسی، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، جریان جدیدی را در سطح بین‌المللی ایجاد کرد که حوادث، برخوردها، قطب‌بندی‌های بعدی را تا حدود زیادی رقم زد و در معادلات و تعارضات بین‌المللی آینده نیز تمایل دیرین آمریکا را برای تبدیل شدن به یک امپراتوری جهانی، بیشتر ساخت و سودای حاکمیت بلا منازع بر جهان را در ذهن مستکبران پروراند. استکبار جهانی در صدد شکل‌دهی افکار عمومی مردم جهان بوده است و از این طریق، تلاش روزافزونی برای جهانی‌سازی ارزش‌های لیبرالیستی در عرصه‌ی فرهنگ، دموکراتیزه کردن نظام‌های سیاسی و ترسیم ساختار اقتصادی کشورها بر اساس کاپیتالیسم صورت می‌دهد تا تنها ارزش‌های جاری و معتبر در جهان، ارزش‌های غربی باشد (شوشتری و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۱). بنابراین، تمدن مادی غرب در ذات و ماهیت خود به دنبال جنگ دائمی و توطئه همه جانبه برای تأمین منافع حداکثری خود می‌باشد. سردمداران نظام سلطه جهانی که طلایه داری تمدن غرب را بر عهده دارند، استعمار و بهره‌کشی از ملل ضعیف و عقب مانده را در تمام دوره‌های تاریخی عملکرد خود، ثبت کرده و جنگ‌های بی‌شماری را طراحی و هدایت نموده‌اند. نظام سلطه در درون ساختارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری رسمی و غیررسمی خود کانون‌هایی را تعبیه نموده که با تحلیل‌های تمدنی خاص خود، جنگ دائمی را بر علیه رقبای خود سازماندهی و هدایت می‌کند. نظام سلطه جهانی و استکبار در طی دوران معاصر، مدرنیته یا نوسازی اجتماعی را بر حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان حاکم ساخته‌اند و آن را به‌عنوان یک فراگفتمان غالب و بی‌رقیب معرفی کردند. بنابراین رویارویی نظام سلطه و استکبار جهانی با انقلاب اسلامی، ملت‌های آزاده و جنبش‌های آزادی بخش از نوع تقابل و تضاد ایدئولوژیک است و پیامد این تقابل نیز، تضاد در اصول، اهداف و ارزش‌های بنیادین میان حوزه‌ی تمدنی غرب و فرهنگ‌های غیرهمسو، علی‌الخصوص فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی خواهد بود (احمدی، ۱۳۸۸: ۹۰-۸۹) در این میان، امام خمینی (ره) همواره یکی از سردمداران مبارزه با جریان سلطه و استکبار جهانی بوده‌اند و با بهره‌گیری از بینش الهی خویش به حمایت از جرگه مستضعفین پرداخته‌اند و با آشکار کردن ترفندها و راهبردهای نظام سلطه برای تفوق بر ملت‌های مستضعف، به مستضعفین یاری رسانده‌اند. در منظومه و بینش استراتژیک امام راحل می‌توان تهدیدهای استکبار را در سطوح اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی بازبایی کرد. اما تأکید ایشان بر "سلطه فرهنگی" بوده است و این بعد از سلطه را نسبت به سایر تهدیدها خطرناک تر ارزیابی می‌کنند و ملت‌ها را به هوشیاری و تعمیق در این عرصه رهنمون می‌نمایند. به همین دلیل ایشان در ذیل بیانات و تقریرات خویش به راه‌های مقابله با ترفندهای سلطه فرهنگی استکبار اشارات مبسوطی داشته‌اند که مذاقه در باب آنها می‌تواند به نظام‌های ارزشی در امور سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگی کمک شایان توجهی نماید. با این تفاسیر، مقاله حاضر مترصد این است که با بهره‌گیری از روش توصیفی و اکتشافی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، به این مهم بپردازد که راهبردهای مقابله با سلطه فرهنگی استکبار کدامند.

۱. چهارچوب مفهومی؛ امپریالیسم و سلطه فرهنگی

تفسیر امپریالیسم به عنوان شکلی از رقابت فزاینده در نظام بین‌المللی می‌تواند از سوی دانشمندان مورد توجه قرار گیرد اما احیای این گونه نظریه‌ها ممکن است مغلوب روش سنتی یا همان نظریه‌های مبتنی بر تاریخ دیپلماتیک شود و باعث شود تا به جنبه‌های سیاست داخلی که مشوق توسعه امپریالیستی است، کم‌توجهی شود. "بامگارت"^۱ معتقد است امپریالیسم، شکل جدید سیاست قدرت‌های بزرگ در چهارچوب سیستم جهانی است که در آن کسب قدرت و حفظ آن از عوامل تعیین‌کننده‌ی در تحول اجتماعی به شمار می‌روند. مزیت این مفهوم، مناسبت آن با پویای سیاسی مبتنی بر قدرت در زمان حاضر است (ساعی، ۱۳۸۵: ۶۳) بنابراین قوانین بین‌المللی در حد خدمت به صاحبان قدرت اعتبار دارند و حریم حاکمیت کشورها تا زمان اطاعت و فرمان برداری آنها محفوظ است. در یک کلام، امروزه «سلطه‌گری» بیشتری وجود دارد و سلطه‌گری نماد "امپریالیسم" است. وقتی از امپریالیسم سخن گفته می‌شود منظور سیاست‌های سلطه‌گری یک دولت در کشور یا سرزمین دیگر است (الهی، ۱۳۸۷: ۱) این سلطه‌گری را می‌توان استیلاء، قدرت و یا چیرگی یک گروه یا فرد روی گروه یا فرد دیگر دانست. اصلاً سلطه به شیوه‌ی خاصی از اعمال قدرت دلالت دارد و شیوه‌ای از کنش بر افراد یا گروهی از افراد یا جوامع است که درست بر خلاف آرزوها یا خواسته‌هایشان انجام گیرد. ایده سلطه همواره در میان فاتح^۲ و مغلوب^۳ معنا دارد، مقوله‌ای که اساساً بر گرفته از مفهوم تغییر یافته و قدیمی پدرسالاری رومی است. (فلسفی، ۱۳۸۶: ۴۱) «گواین ویلیامز»^۴ معتقد است سلطه همه چیز را در بر می‌گیرد. برای توفیق در این امر، سلطه باید ساختاری داشته باشد که نحوه زندگی و طرز تفکر خاص را ترویج کند و یک استنباط ویژه از واقعیات را در تمام جامعه و نهادهای اجتماعی و زندگی فردی اشاعه دهد. نظام سلطه گر بر سلیقه‌ها، اخلاقیات، سنن، اصول سیاسی و همه روابط اجتماعی سایه افکننده و به‌ویژه در تصورات فکری و اخلاقی نفوذ می‌کند. این سلطه عملاً در ارتباط با دیکتاتوری یک طبقه یا یک جامعه تجلی می‌یابد (نوید، ۱۳۷۴: ۱۸). ایمانوئل والرشتاین در دهه‌ی ۱۹۹۰ با نگارش کتابی درباره فرهنگ، بر آن شد تا به شیوه‌ای نظام مند راجع به فرهنگ و استیلاهی فرهنگی در دوران کنونی سخن بگوید. غرض اصلی وی تأکید بر این نکته اساسی بود که فرهنگ به رزم‌گاه ایدئولوژیک نظام مدرن جهانی تبدیل شده است. او با مطالعه‌ی نظام تاریخی سرمایه‌داری نشان داد که چگونه نظام فکری اقتصاد جهان سرمایه‌داری در خلاء ستیز ایدئولوژیک جنگ سرد، به باز تولید قدرت جهانی سرمایه‌داری کمک کرده است. از این رو، پدیده‌ی امپریالیسم فرهنگی جزء لاینفک و در ضمن محصول فراگرد عام امپریالیسم می‌باشد. معنی بدیهی این ادعا آن است که از حیث تاریخی و جامعه‌شناختی، جوامعی که برتری اقتصادی و سیاسی داشته‌اند، اکنون نیز قادر خواهند بود استیلاهی فرهنگی خود را به انحاء مختلف جنبه‌ی علمی ببخشند. «بلتران» امپریالیسم

1. Baumgart
2. Conqueror
3. Conquered
4. Gwyn Williams

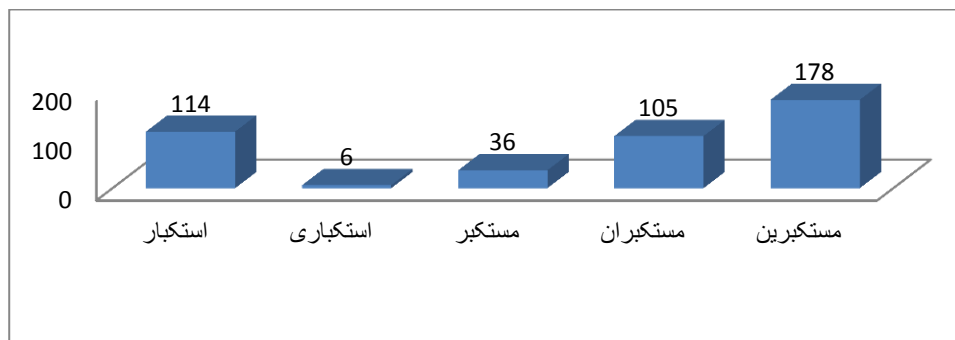
فرهنگی را روند واقعی و تمام عیاری از تأثیر گذاری اجتماعی می‌داند که از طریق آن یک کشور، مجموعه عقاید، ارزش‌ها، دانش و هنجارهای رفتاری و سبک کلی زندگی خود را بر کشور دیگری تحمیل می‌کند. «تانسال» بیان می‌دارد که نظریه‌ی امپریالیسم فرهنگی مدعی است که در بسیاری از نقاط جهان، فرهنگ‌های محلی، سنتی و اصیل، به واسطه‌ی فروش بی‌رویه‌ی مقادیر فراوانی از تولیدات تجاری و رسانه‌ای، عمدتاً به دست نظام سلطه در حال از میان رفتن هستند (قزلسفلی، ۱۳۸۷: ۲۲۶-۲۲۴). این روند بهره‌گیری از فرهنگ در مسیر استعمار به حدی است که نویسنده «رهاوردهای استعمار» مدعی می‌شود: «سیاست‌بازان کار کشته استعمار چون به اهمیت فرهنگ و تأثیر آن در سرنوشت ملت‌ها پی بردند لبه تیز فعالیت خود را در کشورهای مورد طمع خویش، متوجه فرهنگ کردند و آن را به استخدام خود در آوردند. نقش فرهنگ استعماری به اندازه‌ای در استحکام پیوندهای استعمار زدگی ملت‌ها مؤثر و موفقیت‌آمیز است که حتی ایفای این نقش، هرگز از دست نظامیان مسلح و قشون‌های حرفه‌ای امپریالیسم ساخته نیست» (پرغو، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۸). با این تفاسیر، سلطه فرهنگی را می‌توان این چنین تشریح کرد که: «سلطه فرهنگی عبارت است از مبادله یک جانبه عناصر و پدیده‌های فرهنگی». بنابراین در سلطه‌ی فرهنگی، جامعه در حال رکود و ضعف فرهنگی، عناصر جامعه مسلط را بدون نقد و بررسی و انتخاب، می‌پذیرد که خود منجر به سردرگمی و هرج و مرج فرهنگی می‌شود (نویس، ۱۳۷۴: ۱۸). با کنکاشی در آراء امام خمینی (ره) می‌توان به بیانات ایشان در باب سلطه فرهنگی و اهمیت بی‌شائبه آن پی برد، همان‌گونه که در کتاب "درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)" با تلخیص آمده است:

«از دیدگاه امام خمینی (ره)، امپریالیست‌ها برای چپاول ذخایر تحت‌الارضی، سعی در فاسد کردن ذخایر فوق‌الارضی (جوانان) دارند و درصدد آن هستند که نگذارند جوانان، رشد فرهنگی پیدا کنند و تربیت اسلامی بیابند، بلکه آنان را مادی و غرب‌زده و منحرف بار آورند و از اسلام و فرهنگ اسلامی دور نگاه دارند. برای این منظور، مراکز فحشاء و خوش‌گذرانی و عیش و عشرت درست کنند تا از شکوفایی استعدادها و رشد افکار نسل جوان جلوگیری به عمل آورند و مانع از دخالت جوانان در سیاست گردند تا جوانان نسبت به شؤونات مملکت بی‌تفاوت باشند و کشورهای ضعیف از باطن فاسد شوند. به نظر امام راحل، رواج فساد و فحشاء از سوی امپریالیست‌ها برای آن است که فرهنگ استقلالی جامعه کشورهای ضعیف به فرهنگ اجنبی که ام‌الامراض است تبدیل شود و از این طریق بتوانند استقلال فکری و روحی ملت‌ها را گرفته و آنان را وابسته روحی و خودباخته خویش سازد و غرب‌زده یا شرق‌زده بار آورد. بدین معنی که امپریالیست‌ها با نومیدسازی و شست‌وشوی مغزی ملل مستضعف می‌خواهند این ملت‌ها باور کنند که هیچ ندارند و کاری نمی‌توانند انجام دهند» (دهشیری، ۱۳۸۰: ۲۷۲)

۲. استکبار در اندیشه امام خمینی (ره): مفهوم و مصداق

استکبار، شیوه تفکر و منش عملی قدرتمندان زر و زور، و در اصطلاح قرآنی خصلتی از کفر است که با سلطه‌گری و خودبزرگ‌بینی، دیگران را ضعیف پنداشته و آنها را زیر سلطه خود درآورده‌اند. سابقه‌ی

استکبار را بایستی در آغاز خلقت بشر جست‌وجو کرد که شیطان با استدلال خودپسندانه و تمرد خود، به آن دست یازیده و همواره این خصلت شیطانی و استکباری به‌عنوان مرتبه‌ای از کفر در طول تاریخ بشر وجود داشته است. روحیه استکباری و برتری‌جویی در ساخت سیاسی یک جامعه یا یک نظام حکومتی موجب می‌شود تا آن نظام سلطه‌گر خود را برتر و بالاتر از دیگران بپندارد و مبانی فکری، اعتقادی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و سیاسی خود را بهتر از دیگران بداند و با آنها مبارزه نماید (حاجی‌زاده و دارینی، ۱۳۸۶: ۱) بدین جهت، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز در طول نهضت الهی خود به مبارزه اصولی با مستکبرین و اعلام حمایت از مستضعفان و کوخ‌نشینان، برخاسته و انقلاب اسلامی ایران را یکی از نمونه‌های عینی مبارزه حق‌گویان با مستکبرین می‌دانند (مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶: ۳-۲). واژه‌ی استکبار در ادبیات سیاسی امام خمینی (ره) کاربرد زیادی دارد که البته برآمده از نگاه و رویکرد دینی امام راحل است و این واژه را از قرآن کریم اخذ نموده‌اند. در نمودارهای زیر درصد فراوانی کاربرد واژه‌ی استکبار و مشتقاتش را در بیانات امام خمینی (ره) مشاهده می‌کنید:



نمودار ۱: درصد فراوانی کاربرد استکبار و مشتقات آن در تقریرات امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) واژه "استکبار" را برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پیام تشکر خود از ملت ایران جهت حضور پرشکوه در رفراندوم جمهوری اسلامی به کار بردند و پس از آن با تبیین و استفاده مکرر ایشان از این اصطلاح، این مفهوم به تدریج وارد ادبیات نخبگان و عامه مردم گردید. ایشان «استکبار» را در مقابل «استضعاف» که واژه‌ای برگرفته از ادبیات دینی و قرآنی بود قرار دادند (باباخانی، ۱۳۹۰). استکبار در اندیشه امام راحل محدود به سلاطین نیست و حتی فراتر از آن، صرفاً به عرصه‌ی اعمال دولت محدود نمی‌گردد بلکه دامنه‌ی آن شمولیت بسیاری دارد. امام (ره) در خصوص سیطره و وسعت استکبار می‌فرمایند:

«مستکبرین منحصر نیستند به سلاطین، منحصر نیستند به رؤسای جمهور، منحصر نیستند به دولت‌های ستمگر. مستکبرین یک معنای اعمی دارد یک مصداقش اجانب هستند که تمام ملت‌ها را ضعیف می‌شمرند و مورد تجاوز و تعدی قرار می‌دهند یک مورد هم، همین دولت‌های جائر، سلاطین ستمگر

که ملت‌های خودشان را ضعیف می‌شمردند و به آنها تعدی می‌کنند، دست تعدی به ملت‌ها دراز می‌کنند» (صحیفه امام، جلد ۷: ۴۸۸)

امام راحل بعد از این که مصداق و ثغور استکبار را مشخص نمودند، در باب مفهوم استکبار می‌فرمایند: «استکبار، نافرمانی و سرکشی حاصل از کبر است و آن در مقابل استسلام است که انقیاد صوری از روی تسلیم باطنی است. پس، نه هر انقیادی استسلام است و نه هر نافرمانی و سرکشی استکبار است... استکبار از جنود جهل و شیطان و از لوازم فطرت محجوبه است» (امام خمینی، ۱۳۸۵).

با توجه به بیانات فوق، در دیدگاه امام خمینی (ره)، استکبار برآمده از "فطرت محجوبه" است که ناشی از حجاب غفلت است و در مقابل فطرت مخموره (کمال‌طلبی و تنفر از نقص و بدی) قرار دارد. ایشان معتقدند که انسان در بدو تولد بر اساس فطرت مخموره خود کمال‌طلب است اما از آنجا که حیات حیوانی و غریزی او فعلیت یافته و حیات انسانی و بعد متعالی او در آغاز راه تکامل خود است کمالات مادی و دنیایی را به اشتباه، کمال حقیقی و مطلق می‌انگارد و با همان فطرت کمال‌طلب، اسیر دام کمالات خیالی دنیا می‌گردد و این کمالات محدود که همه کمال خود را از کمال بی‌انتها و مطلق دارند را غایت حرکت خود قرار می‌دهد به همین جهت فطرت او محجوب به حجاب عالم دنیا می‌شود و هر چه به جلو می‌رود، بیشتر به کمالات دنیایی و رفع نواقص دنیایی خود مسرور می‌شود (جعفری، ۱۳۹۰: ۷). پس امام (ره) فعل استکبار را ناشی از کمال‌طلبی دنیایی سلطه‌گرا و استکبار جهانی می‌داند که از سرشت مخموره خویش به علت غفلت دوره شده‌اند. استکبار در اندیشه امام خمینی (ره) برای رسیدن به اهدافش از راهبردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بهره می‌گیرد و یکی از راهبردهای استکبار جهانی برای سلطه یافتن بر دولت‌های مستضعف و غیرهمسو، بهره‌گیری از صنایع، ابزارها و شگردهای فرهنگی است که امام راحل سلطه فرهنگی را از سلطه نظامی و اقتصادی خطرناک تر می‌داند و در این باره می‌فرماید:

«فرهنگی که با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه‌کشی می‌کنند و با صورت فرهنگ می‌خواهند تحویل جامعه ما بدهند، این فرهنگ، فرهنگ استعماری و انگلی است و این فرهنگ از همه چیزها، حتی از این اسلحه این قلدرها بدتر است. این قلدرها اسلحه‌شان بعد از چند وقت می‌شکند و حالا هم شکسته، اما وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان‌های ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند از دست ما می‌زنند و انگل بار می‌آیند، غرب زده بار می‌آیند» (صحیفه امام، جلد ۳: ۳۰۶). «این غرب یا شرق که سلطه پیدا کرده است بر همه ممالک اسلامی، مهمش این سلطه فرهنگی بوده است... مصیبت بزرگ برای مسلمین همین فرهنگی است که در بین مسلمین رواج پیدا کرده و جوان‌های ما را می‌کشاند یا به آن طرف یا به آن طرف» (صحیفه امام، جلد ۱۲: ۳۱۹).

یکی از مصداق بارز استکبار در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)، ایالات متحده آمریکا می‌باشد که از نظر امام، مهم‌ترین دشمن مظلومین و مستضعفین محسوب می‌شود و حتی به آن، لقب «استکبار جهانی» را می‌دهد. ایشان می‌فرمایند:

«آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیرسلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. آمریکا

مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیله صیہونیسیم بین الملل سازماندهی می‌گردد، استثمار می‌نماید. آمریکا با ایادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی‌پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ کس جزء او و اقمارش حق حیات ندارند» (صحیفه امام، جلد ۱۳: ۲۱۲).

۳. امام خمینی (ره) و راهبردهای مقابله با سلطه فرهنگی نظام‌های استکباری

منظومه فکری امام خمینی (ره) مبتنی بر ابعاد نظری با خاستگاه آموزه‌های دینی است، لیکن برخی از عناصر محوری این منظومه در مراحل سه گانه تخریب، تأسیس و استمرار انقلاب اسلامی در تولید قدرت نرم نقش محوری و بنیادین داشته‌اند. خود ساختگی امام (ره)، آگاهی به زمان، تدبیر، شجاعت کم‌نظیر، اتکال به خدا، اعتماد به نفس و اعتقاد به مردم، عنصر تکلیف‌گرایی و غیره ابعادی از این منظومه بوده‌اند که بستر ساز قدرت نرم در انقلاب اسلامی شدند. منظومه فکری امام خمینی (ره) در بردارنده‌ی عناصری متعدد است که آثار وضعی آن تولید قدرت نرمی است که به مراتب از قدرت سخت یا قدرت نرم سلطه-گران جهانی بیشتر است و به راستی اگر درست هدایت شود بستر ساز توسعه و تمدن اسلامی و چشم‌انداز روشنی برای جهان اسلام خواهد بود (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۶-۲۵). یکی از منظومه‌های فکری و سیاسی امام راحل که آثار وضعی متعددی داشته و دارد، هوشیاری ایشان در شناخت راهبردهای متنوع و متحول استکبار جهانی برای انقیاد مستضعفین و ملت‌های عقب‌مانده است. از نظر ایشان، استکبار برای دست‌یابی به اهداف خود از راهبردهای نظامی و سخت‌افزار به سمت راهبردهای فرهنگی روی آورده است که تبعات آن بسیار خطرناک است. در همین راستا، امام راحل با درایت خویش به ارائه راهبردهای مقابله‌ای می-پرداختند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت:

۳-۱) ایجاد آگاهی و شناخت کامل فرهنگ خودی برای آحاد ملت

اولین گام برای مقاومت فرهنگی و مقابله با تهدیدات فرهنگی، آشنایی و شناخت کامل فرهنگ خودی است. امام خمینی (ره) فرهنگ هر جامعه را هویت و موجودیت آن جامعه می‌داند. در واقع فرهنگ زیربنا و جزو اصلی تشکیل‌دهنده‌ی هر ملتی است و اقتصاد، سیاست و غیره روبنا و ظواهر جامعه را تشکیل می-دهند که بدون تکیه بر فرهنگی اصیل و بومی، ارزش چندانی ندارند و پوچ و بی‌معنا خواهند بود. امام اهمیت فرهنگ را در زندگی سیاسی و اجتماعی جوامع به حدی می‌دانند که معتقدند فرهنگ می‌تواند ملتی را به تباہی یا اینکه به اوج عظمت و قدرت برساند. استقلال و حیات سیاسی جوامع، وابسته به فرهنگ بومی و مستقل است و بدون آن ممکن است ملت‌ها به راحتی توسط دیگران، تحت سلطه درآیند (طاهری‌بنچناری، ۱۳۸۸: ۱۰۷). به همین دلیل است که فرهنگ مبدأ همه‌ی امور برای ملت‌ها است:

«فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌ها است» (صحیفه امام، جلد ۳: ۳۰۶).

استکبار جهانی هم به این مهم دست یافته است و سعی دارد فرهنگ ملت‌ها را عقب نگه دارند. امام(ره) نیز شناخت و احیای فرهنگ و هویت را رمز استقلال و قدرت کشور و مانعی در راه گسترش سلطه قدرت‌های جهانی می‌دانستند(فوزی، ۱۳۸۹: ۱۸۷) و همواره شناخت و آگاهی نسبت به فرهنگ خودی را به مثابه یک راهبرد مهم از ملت‌ها و دولت‌ها خواستار بودند:

«ما باید فرهنگ خودمان را داشته باشیم»(صحیفه امام، جلد ۳: ۵۰۶). «ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم که چه بودیم، تاریخ ما چه بوده و چه هستیم، چه داریم، تا اینها را نفهمیم استقلال نمی‌توانیم پیدا کنیم»(صحیفه امام، جلد ۱۰: ۷۴). «هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که خودشان را گم کردند و دیگران را جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند»(صحیفه امام، جلد ۱۱: ۱۸۳).

۳-۲ زمینه‌سازی بیداری ملت و پرهیز از غفلت فرهنگی

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، عامل دیگری را که زمینه را برای زیر سلطه گرفتن ملت‌ها و علی-الخصوص مسلمین بر می‌شمارند، عدم آگاهی و غفلت آنان می‌باشد که معمولاً دشمنان مترصد هستند تا مردم را در بی‌خبری، غفلت و ناآگاهی نگاه دارند، از این رو امام(ره) همواره بر لزوم آگاهی و بیداری ملت‌ها تأکید داشتند(باباخانی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). امام بارها به شیوه‌ی دشمنان برای عقب‌ماندگی فرهنگی ملت اشاره داشتند:

«در تمام جوانب ترقی ملت ما کارهایی کرده است و نگهداشته که ملت ما رو به ترقی رود، نگذاشته فرهنگ ما فرهنگ مترقی باشد»(صحیفه امام، جلد ۴: ۱۷۴). «فرهنگ ما را عقب نگه داشته‌اند، جوان‌های ما را نمی‌گذارند تحصیل بکنند»(صحیفه امام، جلد ۴: ۱۹۵). «فرهنگ اسلامی ما را نمی‌گذارند که رشد خودش را بکند و با تبلیغات، مردم را می‌خواهند جدا کنند از اسلام»(صحیفه امام، جلد ۴: ۱۹۵) «از سال‌های طولانی با مطالعه‌هایی که کرده‌اند کارشناس‌ها، به اینجا رسیدند که این سدهایی که ممکن است جلو منافع آنها را بگیرد باید شکست و کیفیت شکستش چه جور باید باشد، بعد از مطالعات به اینجا رسیدند که خوب، این سدها یکی فرهنگ مملکت است... پس باید فرهنگ را عقب نگه داشت»(صحیفه امام، جلد ۴: ۳۰۸) «فرهنگ را مأمورند که عقب نگه دارند، نگذارند انسان پیدا بشود، نگذارند یک آدم‌های تحصیل کرده صحیح مستقل ایجاد بشود که مستقل فکر کند»(صحیفه امام، جلد ۴: ۳۰۸).

امام راحل راه این وابستگی فرهنگی و عقب‌ماندگی در عرصه فرهنگ را «بیداری ملت و پرهیز از غفلت و ناآگاهی» می‌دانند. عنصر بیداری ملت در مقابل تهدیدات دشمن و به طور اخص تهدیدات فرهنگی دشمن به حدی است که ایشان ۱۹۴ بار از واژه‌ی بیداری در تقریرات خویش استفاده نموده‌اند. ایشان معتقدند ملت‌ها باید برای رهایی از خواب مصنوعی و مقابله با تهدید فرهنگی دشمنان، بیدار شوند: «بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن سر چشمه می‌گیرد و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در

ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد و برای به دست آوردن استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی به غیر، باید از خواب مصنوعی که بر بعضی از قشرهای ملت و خصوصاً دانشمندان و متفکران و روشنفکران تحمیل شده است، برخیزند و خود را و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابند» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۷۹) «شرق باید بیدار بشود از این خوابی که او را کردند. از این غفلتی که آنها ایجاد کردند در ما، باید بیدار بشویم اگر بیدار نشویم، ثانیاً همه ما طعمه آنها خواهیم بود. باید دانشگاه‌ها بیدار بشوند.» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۳۶۱) «برخیزید و در مقابل ابر قدرت‌ها بایستید که اگر ایستادید، اینها هیچ کاری نمی‌توانند بکنند» (صحیفه امام، جلد ۱۶: ۳۸) «باید مظلومان جهان بیدار و هوشیار باشند و از این توطئه‌ها و حیل‌ها گول نخورند و به فعالیت خود در راه رسیدن به آزادی و خروج از قید و بندهای استعماری و استثمار ادغام دهند» (صحیفه امام، جلد ۱۹: ۱۴۸) «برای من امیدبخش است همین آگاهی و بیداری نسل جوان و نهضت روشنفکران است که با سرعت در حال رشد است و با خواست خداوند تعالی به نتیجه قطعی ایادی اجانب و بسط عدالت اسلامی است خواهد رسید.» (صحیفه امام، جلد ۱: ۲۲۰) «مطمئن باشید که هیچ قدرتی نمی‌تواند با شما که بیدارید و به پاخواستاید روبه‌رو شود» (صحیفه امام، جلد ۲: ۱۰۱)

البته باید توجه داشت که امام (ره) راهبرد بیداری و آگاهی را فقط منحصر به ملت‌ها و مسلمین جهان نمی‌داند و مسئولین، رؤسای حکومت، دانشگاهیان، فرهنگیان، آموزش و پرورشیان، جوانان و سایر اقشار را به بیداری، هوشیاری و پرهیز از غفلت رهنمون می‌سازند.

۳-۳ تعمیق و پاسداشت از باورها و ارزش‌های دینی

یکی از بنیادی‌ترین روش‌های مقاومت فرهنگی، گسترش شناخت معارف الهی و تعمیق باورهای اصیل مذهبی است. زیرا فرد ارزشی و خدا باور به خودآگاهی و خودباوری می‌رسد و چنین فردی مقتون، مرعوب و مقهور فرهنگ الحادی بیگانه نمی‌شود در نتیجه با استفاده از کلیه امکانات و روش‌های ممکن به صورت مستقیم و غیرمستقیم، باید زمینه تحقق چنین باورهایی را فراهم آورد. هر فرد مسلمان در زمینه‌ی امور مذهبی به سه مقوله دانش، بینش و گرایش نیاز دارد که ضعف و ناکارآمدی در هر بخش، مشکلاتی را برای افراد جامعه به همراه خواهد داشت (نویس، ۱۳۷۷: ۹۳). به همین دلیل است که دشمنان مترصد وارونه‌سازی اسلام و معرفی بد از ارزش‌ها هستند:

«آنها نمی‌خواهند این مطلب واقع بشود، آنها می‌خواهند که اسلام را بد معرفی کنند، مردم از اسلام برگردند» (صحیفه امام، جلد ۲: ۱۳۹).

امام (ره) که خود توانسته بود با نیروی ایمان و اتکا به ذات لایزال الهی و نیز همراهی مردم دین باور، آنان را از تنگنای خطر و ناامنی به وادی سلامت و امنیت رهنمون کند، پیش شرط آسیب‌ناپذیری و تهدیدزدایی ملت و نظام را التزام عملی به احکام نورانی اسلام اعلام کردند و راز پایداری ملی در برابر بیگانگان خصومت پیشه را اعتقاد مردم مسلمان به قدرت خداوند و معنویت‌گرایی گفتاری و رفتاری ایشان می‌دانستند. مطابق نظر امام (ره)، تحقق و تحکیم امنیت ملی، مرهون دینداری و معنویت‌گرایی و حاکمیت فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در عرصه‌ی عمومی و در مقابل، تضعیف و تهدید امنیت ملی ناشی از دور

افتادگی، فاصله‌گیری یا انحراف مردم و دولت‌مردان از هسته و اصالت آموزه‌های دینی است (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۶۴-۱۶۳) پس در قبال تهدیدهای فرهنگی باید از ارزش‌ها حمایت کرد و به ارزش‌ها در افراد جامعه تعمیق داد:

«بر شما جوانان ارزنده اسلام که مایه امید مسلمین هستید لازم می‌باشد که ملت‌ها را آگاه سازید و نقشه‌های شوم و خانمان‌سوز استعمارگران را بر ملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمان‌های بزرگ اسلام بکوشید» (صحیفه امام، جلد ۱: ۱۸۶) «اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام مترقی آن است. بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن، به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است» (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۴۰۳)

مهم‌ترین و خطرناک‌ترین بعد تهدید فرهنگی، استحاله و تخریب ارزش‌ها و باورهای مذهبی است و به همین دلیل امام (ره) صیانت از این ارزش‌ها را مهم و عامل مقاومت فرهنگی و پیروزی علیه استکبار می‌داند:

«وقتی می‌توانیم با قدرت‌های بزرگ مقابله کنیم و آسیب‌پذیر نباشیم که متعهد به اسلام، متعهد به احکام اسلام باشیم» (صحیفه امام، جلد ۱۹: ۳۲۶).

۳-۴ تلاش برای استقلال فرهنگی - فکری و مدیریت وابستگی‌های فرهنگی

امام (ره) به اهمیت فرهنگ در جامعه اشاره داشته و وابستگی فرهنگی را بسیار خطرناک و منشأ وابستگی‌های دیگر قلمداد می‌کند. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته باشد، ناچار، دیگر ابعاد آن جامعه به اجانب مخالف گرایش پیدا می‌کنند و بلاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد (بهرزولک، ۱۳۸۸: ۱۳۱). از این رو امام راحل وابستگی فرهنگی، فکری و روحی را برای جامعه امری خطرناک و یک تهدید فرهنگی برنامه‌ریزی شده می‌داند:

«استقلال فکری را از ما گرفتند، ما در فکر و اندیشه و روح وابسته شدیم ... وابسته روحی و انسانی است که بسیار مشکل است» (صحیفه امام، جلد ۸: ۲۴) «فرهنگ ما را طوری کردند که ما همه چیزمان الآن عوض شده، غربی شده، وقتی هم حرف می‌زنیم حرفمان غربی است» (صحیفه امام، جلد ۸: ۲۵). «اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا کند، نجات ملت در فرهنگ و در دانشگاه‌ها باید طرح بشود. مادامی که ما پیوستگی مغزی داریم به خارج و اجانب، هیچ یک از این گرفتاری‌هایی که شمردید نمی‌توانیم از زیرش فرار کنیم. رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است و نجات جوان‌های ما از این وابستگی به غرب» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۳۵۶) «اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست، وابسته اجتماعی هم هست، سیاسی هم هست، همه اینها است» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۳۵۷).

امام علاوه بر اینکه معتقد بودند که باید وابستگی فرهنگی را مدیریت نمود و با کاهش وابستگی‌ها به استقلال فرهنگی رسید و این‌گونه با تهدیدات فرهنگی مقابله کرد:

«استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آن‌ها امکان‌پذیر است. بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است» (صحیفه امام، جلد ۱۵: ۲۴۳). «ما اگر بخواهیم استقلال حقیقی به دست آوریم، باید سعی کنیم تمامی اشکال نفوذ... چه سیاسی و چه فرهنگی را از بین ببریم» (صحیفه امام، جلد ۶: ۲۶۲-۲۶۱)

۳-۵-۳-۵-۳ صیانت از هویت انسانی - اسلامی

یکی از شگردهای تهدیدهای نرم این است که هویت و فرهنگ اسلامی را به صورتی هنرمندانه و نامحسوس از بین ببرند و یا اینکه آن را ناچیز جلوه دهند و آن را عامل عقب‌ماندگی و ایزوله شدن معرفی کنند (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۴۵). به همین دلیل امام خمینی (ره) در بحث‌های خود، احیای هویت فرهنگی را، که از آن تحت عنوان هویت اسلامی - انسانی یاد می‌کنند، مهم‌ترین راهکار حفظ و تداوم آرمان‌های انقلاب می‌داند. تأکید ایشان بر دو صفت انسانی و اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های هویت فرهنگی کشور، در واقع تأکیدی بر بازگشت به هویت انسانی و عقلانی است. به نظر ایشان احیاء و صیانت این هویت انسانی، موجب ظهور انسانیت انسان می‌شود که تجلی آن را در حمایت چنین انسانی از اهدافی همچون استقلال، خودباوری، اتکای به نفس، امید به آینده، عدم سلطه‌پذیری، حمایت از پیشرفت واقعی و غیره می‌توان دید که زمینه‌ی هر گونه حرکت مستقل و تکاملی جوامع می‌باشد (فوزی، ۱۳۸۴: ۲۱۹). با این تفاسیر، نظام سلطه برای اینکه جلوی استقلال و پیشرفت جوامع غیرهمسو خویش را بگیرد به وسیله-ی ابزارها و تبلیغات فرهنگی سعی در استحاله هویت و شخصیت جامعه‌ی آماج دارد:

«کوشش کردند که شخصیت ما را از ما بگیرند و به جای شخصیت ایرانی - اسلامی، یک شخصیت وابسته اروپایی، شرقی، غربی به جایش بگذارند» (صحیفه امام، جلد ۱۴: ۱۱۳). «به جای یک موجود شرقی - اسلامی، یک موجود غربی بر ما تحمیل شده که خودمان را گم کرده‌ایم. به جای مغز شرقی، مغز غربی نشسته است» (صحیفه امام، جلد ۹: ۲۵).

از این رو ایشان تأکید دارند که باید به هویت اصیل انسانی و اسلامی بازگشت و از آنها صیانت به عمل آورد. زیرا بازگشت به هویت اصیل رمز پیروزی و ایستادگی در برابر حمله‌های نرم دشمنان است:

«بر فرهنگ اسلام تکیه کنید، با غرب و غرب‌زدگی مبارزه کنید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده بتازید و هویت خویش را دریابید» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۷۴). «ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم و ما که خودمان را گم کرده بودیم، باید این خود گم کرده را پیدا کنیم» (صحیفه امام، جلد ۱۳: ۲۳۱).

«خود گم کرده» در اندیشه امام خمینی (ره) چیزی جز هویت اصیل اسلامی و ایرانی نیست که با حمله‌ی تبلیغات دشمنان در وادی جنگ اعصاب و پشت پرده به حاشیه رانده شده است.

۳-۶ زمینه‌سازی وحدت و همبستگی

از آسیب‌های جدی تهدیدهای فرهنگی، ایجاد انشقاق و گسست میان افراد جامعه است و راهبردهای سلطه‌گران در سطوح مختلف این است که تشتت آراء را میان قومیت‌ها و اقلیت‌ها ایجاد نمایند و امام(ره) بارها در خصوص خطر تفرقه و پراکندگی ملت هشدار داده‌اند:

«ما در بین مبارزه هستیم و باز محتاج به وحدت کلمه هستیم، باز باید همه اقشار با هم برادروار و در کنار هم آماده باشند برای مبارزه و جلوگیری از تشتتات و اختلافات. اگر خدای ناخواسته اختلافات پیدا شوند، معلوم نیست که ما به پیروزی نهایی برسیم» (صحیفه امام، جلد ۵: ۷۵) «هر یک را مخالف دیگری کردند. اقشار ملت ما را از هم جدا کردند. این خیانت بزرگی بود که به ما و به ملت ما کردند تا ما را به این روزها نشانند. نه تنها اقشار یک ملت را از هم جدا کردند، ملت‌ها را از هم جدا کردند» (صحیفه امام، جلد ۶: ۳۴۴). «فکر کردند که اگر چنانچه اینها با هم باشند، اگر همه ممالک شرقی با هم باشند و اجتماع داشته باشند، امکان ندارد که به مخازن اینها دست بیابند. پس باید قشرها را از هم جدا کرد» (صحیفه امام، جلد ۷: ۳۸۸-۳۸۷). «امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم در تحت نظر سیاسی ابرقدرت‌ها هستند. همه جا را ناظر هستند و برای شکست همه طوایف و قشرهای دیگر طرح‌ها دارند و مهم طرح‌ها آن است که بین برادرها اختلاف کنند» (صحیفه امام، جلد ۱۳: ۱۳۰).

به علت افزایش سیاست‌های تفرقه‌انگیز نظام‌های استکباری، امام(ره) بر وحدت و همبستگی استراتژیک تأکید نمودند و به این مسأله توجه داشتند که وحدت همه جانبه در درازمدت موجب می‌شود که زمینه‌های بالندگی و کارآمدی نظام منتفی شود، لذا وحدتی که ایشان مطرح می‌کردند وحدت همراه با اختلاف عقیده، اختلاف سلیقه و غیره بود (قاضی زاده، ۱۳۸۸: ۲۵):

«باید توجه داشته باشید که تا زمانی که اختلاف و موضع‌گیری‌ها در حریم مسائل مذکور است، تهدیدی متوجه انقلاب نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب، اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است... چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم.» (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۱۷۸)

بنابراین امام(ره) برای مقابله با انشقاق و تفرقه ملت، نسخه «وحدت استراتژیک» را تجویز می‌کند و آنها را به دوری از جدایی و اختلاف اصولی رهنمون می‌سازد:

«برای همه‌ی مسلمین پیام من این است که با دارا بودن تمام امکانات و با جمعیت عظیمی که مسلمین دارند و با ممالک کثیری که تحت سلطه و قدرت آنهاست، آنها با هم اتحاد کنند. اگر متحد شوند هیچ‌یک از ابر قدرت‌ها، قدرت اینکه به آنها تجاوز کنند ندارند. تمام بدبختی‌های مسلمین برای این تفرقه‌ای است که بینشان هست» (صحیفه امام، جلد ۴: ۴۴۵-۴۴۴). «این وحدت کلمه را باید حفظ کنید و با حفظ وحدت کلمه تا آخر انشاءالله خواهیم رفت». (صحیفه امام، جلد ۶: ۸۲) «باید اتحادتان را حفظ کنید تا کشورتان استقلال داشته باشد، تا شریف باشید» (صحیفه امام، جلد ۱۵: ۲۶۹).

۷-۳ بسترسازی برای همگرایی دینی

همگرایی در جامعه توحیدی پیش از آن که دستوری و حیانی باشد، امری عقلانی است و بیش از آنکه مطلوبی دینی باشد ضرورتی عینی است چرا که همگرایی در نظام اجتماعی اسلام، تداوم حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح است (وطن دوست، ۱۳۸۹: ۱۱). یکی از ارکان استقامت جوامع ارزشی وجود همگرایی میان اقلیت‌ها و فرقه‌های دینی است و استکبار برای فروپاشی این وحدت ارزشی از انواع شگردهای فرهنگی برای تفرقه افکنی بهره می‌گیرد و مترصد است میان مسلمانان و علی‌الخصوص شیعه و سنی اختلاف به وجود آورند:

«باز همین هم نقشه‌ای بود، این که بین مسلمین جدایی بیندازند، مسلمین را چند طایفه کنند خصوصاً بین شیعه و سنی، یک فاصله زیادی ایجاد کنند. آنها غرضشان این نبود که شیعه بزرگ بشود، یا سنی ضعیف بشود. غرضشان این بود که هر دو ضعیف بشوند... بنا شد بین اینها چنان جدایی بیندازند و فاصله ایجاد کنند که اذهانشان از مسائل دیگر به کلی منحرف بشود، همه اذهان باید سراغ اینکه خودشان با هم دعا کنند. این هم یکی از نقشه‌هایی بوده است که از قدیم‌الایام اینها، شیاطین درست کرده اند و از احساسات مذهبی استفاده کردند» (صحیفه امام، جلد ۱۴: ۵۰۷).

امام خمینی (ره) یکی از آفت‌های اصلی جامعه را ملی‌گرایی و قوم پرستی می‌داند ولی خطر تفرقه مذهبی را بیشتر می‌داند:

«از ملی‌گرایی خطرناک‌تر و غم‌انگیزتر، ایجاد اختلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است و القای تبلیغات فتنه‌انگیز و دشمنی‌ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است.» (صحیفه امام، جلد ۱۳: ۲۰۹)

به همین خاطر امام (ره) همه را به همگرایی و اتفاق ارزشی سوق می‌دهند و از همگرایی میان مذاهب به عنوان «خنثی کننده نقشه شوم اجانب» یاد می‌کنند:

«برادران اهل سنت در کشورهای اسلامی بدانند که این اعمال وابسته به قدرت‌های شیطانی بزرگ، خیر خواه مسلمین و اسلام نیستند و لازم است مسلمانان از آنها تبری کنند و به تبلیغات نفاق افکنانه آنها گوش فرا ندهند. من دست برادری به تمام مسلمانان متعهد جهان می‌دهم و از آنان می‌خواهم که به شیعیان با چشم برادری عزیز نگاه کنند و با این عملشان همانند همیشه نقشه‌های شوم اجانب را خنثی کنند» (صحیفه امام، جلد ۱۳: ۲۱۰). «این جدایی ما بین مذهب که اساسی است که ما را به نیستی دارد می‌کشد. اینها باید همه با هم متحد باشند، تا این که اساس اسلام را ما بتوانیم در همه جا پیاده بکنیم. و در آن جا هم که این دو مذهب هست، مذهب اهل سنت هست و مذهب شیعه هست، کوشش کنید که هر دو به طور برادری رفتار کنید» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۴۸۸) «بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد. باید وحدت کلمه را حفظ کنند. ائمه اطهار ما سفارش کردند به ما که بیپوندید با هم و با هم اجتماعتان را حفظ کنیم و کسی که این اجتماع را بخواهد که به هم بزند؛ یا جاهل است یا مغرض و نباید به این حرف‌ها گوش بکنند» (صحیفه امام، جلد ۶: ۸۴).

۳-۸ گسترش فرهنگ مقاومت و استقامت

روحیه استقامت، ایستادگی و تسلیم‌ناپذیری ملی در مواقع سختی‌ها، بحران‌ها و نیز اصرار و مداومت بر سر آرمان‌ها و منافع جامعه را می‌توان از جمله عوامل مهم و ارزشمند قدرت و پشتوانه مستحکم امنیت ملی هر کشوری دانست. این روحیه پایداری و فرهنگ مقاومت، به‌ویژه اگر برخاسته از آموزه‌های دینی و متکی به قدرت زوال‌ناپذیر الهی باشد و وعده بهره‌مندی از پاداش اخروی را در قبال تحمل شداید دنیوی به معتقدانش بدهد، انگیزه و توان بسیج مضاعفی را در اختیار دولتمردان قرار می‌دهد تا بدون عقب‌نشینی، سازش و تسلیم در برابر فشارها و تهدیدها، با سرافرازی و عزتمندی در راه رسیدن به اهداف و منافعشان ایستادگی کنند. به همین دلیل، امام خمینی(ره) همواره اذهان مردم را به این نکته معطوف می‌کردند که حضور و مقاومت تا کسب پیروزی گامی مهم و ارزنده است(کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۷۶). امام خمینی(ره) معتقد بودند که استکبار جهانی برای پیشبرد اهدافشان مترصد کاهش سطح مقاومت و روحیه پایداری و ایستادگی ملت‌ها هستند و از این رو ایشان ملت را به استقامت تشویق می‌کردند و سایر ملت‌های جهان را به الگوپذیری از استقامت و پایداری ملت ایران تشویق می‌کردند زیرا معتقد بودند که ثمره مقاومت و پایداری پیروزی است:

«شما ملت شجاع و ثابت قدم به ملت‌های مظلوم ثابت کردید که با فداکاری و استقامت می‌توان بر مشکلات هر چه باشد غلبه کرد و به مقصد هر چه دشوار باشد رسید»(صحیفه امام، جلد ۴: ۲۳۷). «این ملتی که ایستاده الآن در مقابل ظلم و در مقابل قلداری‌ها و آنها با توپ و تانک و او با مشت دارد مقاومت می‌کند و نمی‌رود کنار، این ملت شکست نمی‌خورد»(صحیفه امام، جلد ۲: ۱۲۶). «ملت ایران را باید ما از آنها تشکر کنیم، ملت بیداری است، ملت هوشیار و مقاومی است در مقابل ظلم. در عین حالی که این همه ظلم می‌بیند، اینهمه کشته می‌دهد، در عین حال مقاومت می‌کند، ایستادگی می‌کند و این ایستادگی به نتیجه خواهد رسید»(صحیفه امام، جلد ۱: ۲۶۷).

امام راحل عنصر پایداری و استقامت را علاوه بر اینکه عاملی مهم در تحصیل پیروزی می‌دانستند آن را یک وظیفه و تکلیف شرعی می‌دانستند:

«در وصیت خدا به وسیله پیغمبر برای امت این است که قیام کنید برای خدا، یکی یکی قیام کنید، جمع جمع قیام کنید. لیکن قیام برای خدا در این آیه است که استقامت کنید... اگر استقامت کنید پیروز خواهید شد. اگر استقامت کنید این عده‌ای که در صدد توطئه هستند ریشه‌کن خواهند شد»(صحیفه امام، جلد ۶: ۲۷۶). «ملت عزیز بدانند که استقامت آنچنان اهمیت ویژه‌ای دارد که از پیامبر اسلام(ص) منقول است که فرموده سوره هود مرا پیر کرد که فرموده است تو و پیروانت استقامت کن. ما و شما که افتخار پیروی آن حضرت و ادعای آن را داریم، باید در حفظ دین مقدس و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی استقامت کنیم و مشکلات را با استقبال و استقامت انقلابی رفع نماییم»(صحیفه امام، جلد ۱۶: ۴۹).

امام معتقدند که پایایی و ماندگاری روحیه مقاومت در ملت‌ها برای تداوم نهضت و هر حرکتی لازم است و هر گونه کاهلی و سستی در آن منجر به شکست نهضت می‌شود و به همین خاطر تداوم و استمرار

روحیه مقاومت را به ملت‌ها توصیه می‌کنند زیرا در صورت وجود داشتن این روحیه، مشکلات و سخت‌ترین اتفاقات پیش‌روی ملت برای آنها ناچیز خواهد بود و حتی ملت برای تحقق آرمان‌های خویش حاضر است جان خویش را ایثار کند:

«رمز پیروزی ملت ما همین بود که دیگر نمی‌ترسیدند از اینکه بروند توی خیابان بکشندشان می‌رفتند خیلی هم کشته می‌شدند بالاخره با همین فریادها و دادها و الله اکبرها پیروز شدند.» (صحیفه امام، جلد ۸: ۱۲۶) «ملت شریف باید تا نتیجه نهایی دست از مبارزات پر شور خود برندارند که نمی‌دارند باید به اعتصابات و تظاهرات ادامه دهند و در صورتی که چماق به دستان و یا مفسدین به آنان حمله کردند می‌توانند دفاع از خود کنند اگر چه منتهی به قتل آنان شود.» (صحیفه امام، جلد ۴: ۲۰۸) «بر ملت ایران است، بر ملت ایران در این زمان که حساس است لازم است که با فشاری کنند و دست از نهضتشان بر ندارند که پیروزی آنها ان‌شالله نزدیک است.» (صحیفه امام، جلد ۴: ۲۷۵)

۳-۹. مقابله با رواج فحشاء و اخلاق فاسده غربی

امام خمینی (ره) فساد موجود در تمدن غرب را به حدی می‌دانند که خود غربی‌ها نیز از آن ناراضی هستند. از نظر ایشان جوامع غربی نه تنها خود دچار فساد شده‌اند بلکه سعی می‌کنند فساد و اخلاق فاسده‌ی غربی را در جوامع شرقی و اسلامی نیز ترویج کنند. امام رابطه‌ی مستقیمی بین استعمار و فساد برقرار می‌کند و معتقد است که ترویج فساد یکی از راه‌های به‌استثمار کشیدن ملت‌های دیگر توسط غرب می‌باشد (طاهری‌بنچناری، ۱۳۸۸: ۱۸۴). یکی از مظاهر شکست فرهنگی در جوامع ارزشی، چیره شدن اخلاق منحط غربی و فساد در بین مردم جامعه است که امام معتقدند برای رسیدن به این هدف، دشمنان از همه ابزارهای فرهنگی همچون تبلیغات، مجلات، رادیو و تلویزیون استفاده می‌کنند:

«آن مجلات با آن عکس‌ها و با آن تبلیغات... آن بساطی که در رادیو و تلویزیون بود و شماها دیدید» (صحیفه امام، جلد ۹: ۷۲) «تجملات و عشرت‌ها و بی‌بند و باری‌ها و حضور در مراکز فحشاء که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود» (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۴۱۷).

امام رواج خلیقات منفی غرب و ترویج اخلاق فاسده میان جوانان را یک برنامه‌ی حساب شده و طرح‌ریزی شده می‌دانند که برای تخریب فرهنگ‌های مقاوم غیر همسوء به کار می‌روند و ایشان راه چاره را در مبارزه با فحشاء و برچیدن اخلاق فاسد غربی از سطح جوامع ارزشی و دارای فرهنگ غنی می‌دانند:

«اولین اقدام این است که همه عوامل فساد و مهمتر اینکه همه انگیزه‌های فساد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و سایر زمینه‌ها با کمال جدیت باید ریشه‌کن شود» (صحیفه امام، جلد ۱۲: ۲۷۸) «مبارزه با فساد می‌کنیم، فحشاء را قطع می‌کنیم... تمام آثار غرب را، تمام آثار فاسده را، نه آثاری که تمدن است، تمام اخلاق فاسده غربی را، تمام نعمات باطله غربی را خواهیم زدایید» (صحیفه امام، جلد ۵: ۱۲۸)

امام(ره) برای محو کردن و سیطره یافتن بر فرهنگ‌های منحط که مشوق فساد و فحشاء هستند بر تحول کارکردی رسانه تأکید داشتند و بر این امر بودند که رسانه‌ها باید مظاهر مفسده آمیز را از برنامه‌های خویش حذف کنند و با تولید برنامه‌های فرهنگی مناسب و آموزشی به مقابله با جریان خزنده تبلیغی بروند و جوان‌ها را از مصرف مواد مخدر، حضور در مراکز فساد و به‌طور کلی از تمامی فرهنگ‌های منحط غربی و اخلاق فاسد منبعث از کشورهای سلطه گر دور سازند:

«باید رادیو و تلویزیون مربی جوان‌های ما، مربی مردم کشور باشد... این رادیو و تلویزیون باید متحول و همچو باشد که جوان‌ها را طوری بار بیاورد که مستقل و دارای اراده و تصمیم باشد، نه پایبند آن مسائل شهوانی و یا این مسائل دیگری مثل هروئین و امثال ذلک. اینها باید در رادیو و تلویزیون جوری عمل بشود که اینها را محترز کنند از آنها، بترسانند آنها را از آن طور مسائل و همین‌طور باید فیلم‌هایی که در رادیو و تلویزیون نمایش داده می‌شود آموزنده باشد» (صحیفه امام، جلد ۱۲: ۱۰۴).

۳-۱۰ مقابله با روشنفکران غرب زده

امام خمینی(ره) در راه رسیدن جامعه به خودباوری و قطع وابستگی فکری، غرب‌زدگان را مانعی جدی می‌پندارد و خواهان مقابله با آنها می‌باشد. ایشان به غرب‌زدگان به‌عنوان نفوذی‌های غرب می‌نکردند که تحت تأثیر پیشرفت غرب قرار گرفته و هویت ملی و دینی خود را فراموش کرده‌اند. غرب‌زدگان از لحاظ فرهنگی و فکری دچار خودباختگی و زبونی هستند و ارزش‌ها و مبانی فکری و هنجارهای غرب را در جوامع شرقی و اسلامی ترویج و زمینه‌ی سلطه‌ی فرهنگی و سیاسی را فراهم می‌کنند و به همین دلیل امام خواهان مبارزه با غرب‌زدگان می‌شوند (طاهری‌بنچناری، ۱۳۸۸: ۲۰۷-۲۰۶) امام راحل معتقد بودند که استعمار مترصد است تا با تربیت روشنفکرهای غرب زده و افراد وابسته، از استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ملت آماج جلوگیری کند و بر این هستند که شخصیت‌های ملی و ارزشی نتوانند مستقل از دیگران و علی‌الخصوص ایادی استکبار، حرکتی داشته باشند:

«از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچگونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی‌دهد و آنان را به حال رکود و عقب‌ماندگی نگاه می‌دارد، تبلیغات همه‌جانبه‌ای است که غرب‌زدگان و شرق‌زدگان، یا به امر ابر قدرت‌ها، یا با کوتاه نظری خود، در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته‌اند و می‌اندازند» (صحیفه امام، جلد ۱۸: ۸۹) «همه می‌دانیم که سرنوشت یک کشور و یک ملت و یک نظام، بعد از توده‌های مردم در دست طبقه تحصیلکرده است و هدف بزرگ استعمار نو به دست گرفتن مراکز این قشر است. کشور ما در دهه‌های اخیر هر چه صدمه دیده و رنج کشیده است از دست خائنین این قشر بوده است. وابستگی به شرق و غرب توسط غرب‌زدگان و شرق‌زدگان و به اصطلاح روشنفکران که از دانشگاه‌ها برخاسته‌اند ولی چارچوب فکریشان در مدارس ابتدایی و متوسطه درست شده است، به فرهنگ، دین و کشورمان صدمه‌های بیشماری زده‌اند چرا که این افراد برای تکمیل وابستگی به شرق و غرب و اخیراً آمریکا هر کاری که توانسته‌اند به نفع آنها انجام دهند

دادند چون درس خوانده بودند با کوله بار غرب‌زدگی و شرق‌زدگی چون دزدانی که با چراغ آیند، برای اربابان و کعبه‌های آمالشان گزیده تر کالاها را انتخاب کردند» (صحیفه امام، جلد ۱۷: ۳).

امام (ره) خطر غرب‌زدگی روشنفکران را بسیار می‌دانستند و برای مقابله این گروه وابسته، علاوه بر «پاکسازی افکار» (صحیفه امام، جلد ۹: ۴۲۷) و «جایگزینی فکر ایرانی - اسلامی به جای غرب‌زدگی» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۵۳)، به تحول انسانی و مثبت شدن به اسلام و فرهنگ خودی تأکید داشتند و به مردم توصیه می‌کردند که باید افراد غرب زده و روشنفکران وابسته را طرد کنند:

«مثبت بشوید به اسلام، متحول کنید خودتان را. نقطه اول این است که خود انسان متحول بشود. خود انسان از غرب زدگی بیاید» (صحیفه امام، جلد ۶: ۳۳۱) «و ما اگر بخواهیم واقعاً مملکتمان نجات پیدا کند مقدم بر همه این است که از این غرب زدگی نجات پیدا بکنیم.» (صحیفه امام، جلد ۹: ۳۷۸)

«از مردم می‌خواهیم تا بر پایه های اسلامی خویش تکیه زنند و غرب و غربزدگان که موجب نابودی فرهنگ آنان شده است پشت پازند» (صحیفه امام، جلد ۵: ۳۳۳) «شما به استقلال نخواهید رسید. اینها نمی‌گذارند، ما باید خودمان را پیدا کنیم تا بتوانیم سرپای خودمان بایستیم و بفهمیم ما هم موجودی هستیم» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۳۹۱). «باید اگر بخواهیم استقلال پیدا کنیم، آزادی پیدا کنیم، مملکت خودمان را خودمان اداره کنیم، باید خودمان را پیدا کنیم، گم کردیم ما خودمان را، باید پیدا بکنیم خودمان را، باید از این غرب زدگی بیرون برویم. خیال نکنیم همه چیز آنجاست و ما هیچ نداریم. خیز، ما همه چیز داریم و فرهنگمان فرهنگ غنی است، باید پیدایش کنیم این فرهنگ را» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۳۸۶)

در عین حال که امام به نوعی «شست و شوی مغزی و قلبی از غرب زدگی» اعتقاد دارند، معتقد بودند که باید از ظرفیت های دانشگاه به درستی استفاده کرد و این نهاد با پرورش افراد متفکر و استقلال بخشی به آنها، غرب‌زدگی را از مردم بیرون کند:

«تبلیغات دامنه‌داری که غربی‌ها و غرب زدگان شروع کردند و شاید حالا هم باز باشد، اسباب این شد که مغزهای ما غربی شد، قبله ما غرب شد و تا بیاید این غرب‌زدگی و اجنبی‌زدگی از این قلب‌ها و از این مغزها زدوده بشود وقت طولانی لازم است» (صحیفه امام، جلد ۱۲: ۵-۴). «باید از آن، عمل دانشگاه راه، به آن اندازه‌ای که می‌شود استفاده کرد. باید این دستگاه، دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند، تمام را مبارز بار بیاورد، تمام را متفکر بار بیاورد، تمام این‌ها را مستقل بار بیاورد، آزادمنش بار بیاورد، از غرب‌زدگی بیرون کند استقلال به مردم بدهد» (صحیفه امام، جلد ۶: ۳۳۹).

۳-۱۱ ارتقاء مقبولیت الگوهای رفتاری و اسوه‌های ملی

در تهدید فرهنگی عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند که مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید، فهم و درک نماید. یک بخش تأثیرگذاری بر افکار از طریق «باورسازی و الگوپردازی» است و بخش

دیگر آن را «سخن گویای رایج» تشکیل می‌دهد (عصاریان نژاد، ۱۳۸۸) بنابراین غرب و استکبار با استحاله و دگرپرسی میان مفاخر و اسوه‌های ملت سعی دارد الگوهای مطلوب خویش که در منافی با ارزش‌های کشور میزبان است، جایگزین نماید. از این رو باید از الگوها و مفاخر بومی و ارزشی خویش صیانت کنیم و به این نکته‌ی مهم توجه نماییم که راز و رمز پیروزی و موفقیت در گرو بهره‌گیری از مفاخر شرقی خودمان است و باید از اسوه‌های دینی خویش تبعیت کنیم و الگوهای غربی را طرد کنیم:

«شما بنابراین بگذارید که این چیزهایی که دارد شما را می‌کشد به طرف غرب و مفاخر شما را زیر پا می‌گذارد و به جای او مطالب غربی را می‌نشانند، شما هم اعراض کنید از او پشت کنید» (صحیفه امام، جلد ۹: ۴۷۰). «باید در فرهنگ توجه به آن داشته باشید و کوشش بشود که خودتان را پیدا کنید. ما گم کردیم خودمان را، ما تمام مفاخر شرقی را کنار گذاشتیم و هی رفتیم سراغ مفاخر غرب. آن هم نه آنی که آنها دارند آنی که به ما می‌دهند» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۴۲).

امام راه اساسی برای مدیریت مفاخر ملی و اسوه‌های ارزشی را پناه بردن به ارزش‌های اسلامی و کتاب مقدس مسلمانان می‌داند و حتی این رجعت به ارزش‌ها را عاملی برای بازگشت اهمیت و جایگاه مفاخر بومی می‌داند:

«در سایه اسلام می‌توانید مفاخر خودتان را برگردانید» (صحیفه امام، جلد ۵: ۵۲۳) «اگر پناه به قرآن و اسلام بیاورید، اجنبی به خود اجازه نمی‌دهد که این قدر پافشاری برای اسم آن کند. اگر چنان به قرآن و اسلام بیاورید، اجنبی‌ها به خود اجازه نمی‌دهد که از شما سند بردگی بگیرد. اجازه نمی‌دهد که مفاخر ملی و اسلامی شما پایمال شود» (صحیفه امام، جلد ۱: ۴۱۱).

با این تفاسیر، امام بر این هستند که در مقابل هجمه‌ی فرهنگی و تخریبی غرب علیه بزرگان و الگوهای ملت باید از آنها صیانت و حراست نمود و در عین حال بر مقبولیت و میزان احترام آنها به مثابه الگوهای رفتاری ملت افزود و بروند خودیابی و بازپروری خویشتن سرعت بخشید.

۳-۱۲ مدیریت اذهان و قلوب ملتها

مسیر اصلی تهدید فرهنگی برای سلطه یافتن بر ملت سایر کشورها، تسخیر ذهن و قلب آنها است زیرا با در دست داشتن افکار آنها می‌توان آنها را به کارهای مورد نظر خودشان سوق دهند و با شست‌وشوی مغزی از میزان مقاومت آنها بکاهند و ارزش‌های جدید جایگزین باورهای سابق آنها سازند و در این راه از مطبوعات و رسانه‌های گروهی بهره می‌گیرند:

«یک قشر مطبوعاتی و رسانه‌های گروهی به همه قدرت زحمت کشیده‌اند که این کشور را از خودش تهی کنند یعنی اعتقادش را این طور کنند، مغزشان را شست‌وشو کنند و اینها را معتقد کنند به اینکه شما هیچ نیستید، باید تحت لوای یا شرق یا غرب‌زدگی کنید» (صحیفه امام، جلد ۱۶: ۳۱۳).

اما بر این اعتقادند که نظام سلطه برای تفوق بر ذهن و فکر ملت‌های غیرهمسو از شیوه و راهبرد

«مغزشویی» یا «شست‌وشوی مغزی» بهره می‌گیرد:

«مغزشویی شده، آنها را شست‌وشوی مغزی دادند و آن ملیت خودشان را، اسلامیت خودشان را شسته‌اند و به جای آن غرب را نشان‌دادند» (صحیفه امام، جلد ۸: ۹۹) «مغزهای ما را شست‌وشو کردند، اعتماد به نفس را از بین بردند» (صحیفه امام، جلد ۷: ۵۷).

از این رو ایشان بر این هستند که کشورهای میزبان باید نوعی پاک‌سازی افکار و شست‌وشوی مغزی متقابل انجام دهند و افکار ملت را به دست آورند و در این مسیر بر ظرفیت‌های دانشگاهی و روشنفکران تأکید می‌کنند:

«شما هم اعتقاد پیدا کنید که می‌توانید مغزها باید شست‌وشو شود و مغزهایی که به خود متکی است جای آن را بگیرد» (صحیفه امام، جلد ۱۵: ۳۱۰). «شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان و دانشگاه‌ها و دانشسراها و نویسندگان و روشنفکران و دانشمندان معظم باید کوشش کنید و مغزها را از این وابستگی فکری شست و شو دهید» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۷۹). «درصدد باشید که اولاً مغزهایی آنها را از این چیزی که پر کردند از آنها، این مغزهایی که پر شده است از اینکه مغز شرقی را برداشتند، جایش مغز غربی گذاشتند، شست‌وشو کنید» (صحیفه امام، جلد ۱۰: ۴۳۷).

علاوه بر افشار دانشگاهی، فرهنگیان و روشنفکران، امام راحل نیز به حکومت توصیه می‌کنند که باید بر قلب مردم حکومت کنند و با سیطره بر قلوب می‌توانند از کمندهای استکبار رهایی یابند و به مقاومت و استقلال فرهنگی دست یابند:

«شما کوشش کنید که حکومت بر قلوب کشورهای خودتان بکنید نه حکومت بر ابدان، بر قلوب از شما کناره بگیرند. مسلمین اگر بخواهند موفق شوند و از زیر تعهدهای اجانب و سلطه آنها بیرون بیایند حکومت‌های آنها باید کوشش کنند که قلوب ملت خودشان را به دست بیاورند، حکومت بر قلوب یک حکومت شیرین است بر خلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آنها نباشد» (صحیفه امام، جلد ۱۴: ۱۷۹).

۳-۱۳ بهره‌گیری از تبلیغات متقابل و روشنگری نسبت به شبهات

رسانه‌ها و مطبوعات از ابزار فرهنگی مؤثر هستند که از سوی قدرت‌های جهانی در راستای تهدید فرهنگی سایر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند و از ضریب تأثیرگذاری بالایی در افکار عمومی برخوردار هستند. از این رو امام (ره) معتقد هستند که یکی از بهترین راهبردهای مقابله با تبلیغات مسموم دشمنان، عنصر مقابله تبلیغاتی و روشنگری نسبت به آنها است:

«مکلفیم به اینکه این تبلیغاتی که در خارج شده و دارد می‌شود و بعضی از این روزنامه‌های خارجی از آنها ارتزاق می‌کنند و بر ضد ملت... می‌نویسند، روشنگری کنید شماها در مقابل آنها، شما هم روشنگری کنید» (صحیفه امام، جلد ۳: ۲۵۵). «همه تکلیف این است که اینجا هر قدر می‌توانید تبلیغات کنید، بگویید مسائل را به کسانی که اطلاع ندارند. تبلیغات آنها سبب شده است که ماها را یک آدم‌های ارتجاعی معرفی کنند» (صحیفه امام، جلد ۲: ۲۷۷).

البته امام راحل، روشنفکری نسبت به تبلیغات یک‌جانبه نسبت به ملت را در بعد داخلی محدود نمی‌کردند و نوعی نقش برون مرزی برای تبلیغات قائل بودند و از تمامی افرادی که به خارج از مرزهای ایران سفر می‌کنند را توصیه می‌کنند که با مردم آن سرزمین صحبت کنند و آنها را نسبت به واهی بودن تبلیغات دشمنان آگاه سازند و به نوعی «تبلیغات دهان به دهان و فردی» را تجویز می‌کنند که به نوعی جایگزین رسانه‌های قدرتمند بین‌المللی هستند و کمبودها را رفع خواهد نمود:

«شماها آقایان با هر یک از این اقشاری که در اینجا هستند، اگر در اروپا هستید با اروپایی‌ها، در آمریکا هستید با آمریکایی‌ها، هر جا هستید با اهالی آنجا که رفقا دارید، آشنا دارید، هر وقت می‌نشینید طرح کنید مسائل ایران را و تبلیغات کنید. هر یک از شما تبلیغ بکند این مسائل را» (صحیفه امام، جلد ۲: ۲۳۰)

نتیجه‌گیری

استکبار و مستضعف دو واژه‌ی کلیدی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) محسوب می‌شوند و امام بارها از واژه استکبار برای تبیین اعمال قدرت‌های بزرگ بهره جستند و در همین راستا سعی نمودند تا با رهنمون‌های خود، راهبردهای سلطه‌گران را برای ملت‌های مستضعف آشکار سازند. از آنجایی که استکبار جهانی در عصر حاضر به جای راهبردهای نظامی و سخت به سوی راهبردهای فرهنگی و سلطه فرهنگی روی آوردند، امام راحل هم با درایت خویش به این تحولات در شگردهای عملیاتی استکبار جهانی اشاراتی داشتند و به تبیین راه‌های نفوذ فرهنگی استکبار پرداختند. با کنکاش در اندیشه امام خمینی(ره) می‌توان به این نکته مهم پی برد که سلطه فرهنگی و راهبردهای فرهنگی برای به زیر سلطه کشاندن ملت‌های مستضعف بسیار خطرناک‌تر از سلطه نظامی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد زیرا که دامنه و وسعه سلطه فرهنگی بسیار عمیق است و اثرات آن تا مدت‌های مدیدی پایدار خواهد بود و نظام‌های سیاسی را با مشکل مواجه خواهد کرد. از دیدگاه امام خمینی(ره) استکبار جهانی برای سلطه فرهنگی بر ملت‌های مشرق زمین از شگردهای متنوعی همچون: ایجاد تفرقه و انشقاق میان آحاد ملت، تضعیف مذهب‌های غیرهمسو و متعارض، استفاده از ظرفیت‌های مراکز علمی، ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده، مخدوش کردن هویت ملی و ارزشی جامعه‌ی رقیب، مهیا کردن زمینه‌های وابستگی روحی و فکری، ایجاد یأس و روحیه خودباختگی میان قشرهای متخصص جامعه، رواج دادن ابتذال و انحرافات اخلاقی، استعانت از افراد ساده‌اندیش و سطحی‌نگر، تخریب الگوهای بومی و مفاخر جامعه آماج و مسائلی از این قبیل استفاده می‌نمایند. از این رو امام(ره) معتقدند که باید بعد از شناخت آسیب‌ها به فکر چاره‌ایی برای این آسیب‌های جدی از سور استکبار جهانی بود که در این میان بر راهبردهایی همچون؛ بیداری و پرهیز از غفلت، شناخت کامل فرهنگ خودی، تعمیق و پاسداشت از فرهنگ و ارزش‌های دینی، زمینه‌سازی برای استقلال فرهنگی و پرهیز از وابستگی فرهنگی، صیانت از هویت انسانی - اسلامی، ایجاد وحدت و اتحاد در جامعه، بسترسازی برای همگرایی دینی، گسترش فرهنگ مقاومت و استقامت، مقابله با رواج فحشاء و اخلاق

فاسده غربی، مهار و مدیریت جریان‌های وابسته به غرب و روشنفکران غرب‌زده، صیانت از الگوها و مفاخر ملی، سیطره بر اذهان و قلوب ملت، خنثی‌سازی تبلیغات دشمنان و روشنگری نسبت به آنها تأکید دارند.

منابع

- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «نظام سلطه جهانی و جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی»، *فصلنامه میثاق*، سال دوم، پاییز شماره ۷.
- امیری، ابوالفضل (۱۳۸۹)، *تهدیدنرم، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی*، تهران، نشر پگاه.
- باباخانی، مجتبی (۱۳۹۰)، «استکبارستیزی و حمایت از مستضعفین در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و شهدای دانشجو»، *فصلنامه ره آورد سیاسی*، سال هشتم، زمستان، شماره ۳۴.
- بنچناری، میثم طاهری (۱۳۸۸)، *فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بنیانیان، حسن (۱۳۹۰)، *پیوست فرهنگی، ضرورت‌های وجودی، راهکارها و فرایندهای تدوین*، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۸)، «نقش دین در همبستگی اجتماعی با تأکید بر اندیشه و آرای امام خمینی (ره)»، در همبستگی ملی و مشارکت عمومی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، انتشارات چاپ و نشر عروج.
- پرغو، محمدعلی (۱۳۸۶)، *رویکردهای سیاسی استعمار از کهن تا فرانو*، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز.
- جعفری، علی (۱۳۹۰)، «قیام‌الله در عرصه مبارزه اجتماعی بر اساس نظریه فطرت در اندیشه امام خمینی (ره)»، *فصلنامه ره‌آورد سیاسی*، سال هشتم، زمستان، شماره ۳۴.
- حاجی زاده، علیرضا و محمود دارینی (۱۳۸۶)، *استکبار جهانی و شیطان بزرگ از دیدگاه امام خمینی (ره)*، دفتر سی و یکم (تبیان)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، *وصیت‌نامه سیاسی-الهی*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۰)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)، *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ساعی، احمد (۱۳۸۵)، *نظریه‌های امپریالیسم*، تهران، انتشارات قومس.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۸۹)، *جنگ نرم، قم، موسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی (ره)*.
- شوشتری، عباسعلی عظیمی و دیگران (۱۳۸۵)، *آمریکا و گفتمان استکباری*، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، زمزم هدایت.
- عصاریان نژاد، حسین (۱۳۸۸): *تهدید نرم و راهبردهای مقابله*، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۵)، *امام خمینی (ره) و هویت ملی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۹)، *اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، قم، دفتر نشر معارف.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۸)، «وحدت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، در همبستگی ملی و مشارکت عمومی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، انتشارات چاپ و نشر عروج.

- قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۸۷)، *امپریالیسم چیست؟ تاریخ و نظریه*، بابلسر، انتشارات دانشگاه مازندران.
- کریمی مله، علی و اکبر بابایی (۱۳۹۰)، *امنیت ملی از منظر امام خمینی (ره)*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدی، یدالله (۱۳۸۹)، «انقلاب اسلامی و نقش تاریخ ساز امام خمینی (ره) در تولید قدرت نرم»، در *جنگ نرم و قدرت نرم از نظریه تا عمل*، تهران، نشر ساقی.
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۸۵)، *قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، دفتر سی و چهارم (تبیان)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۸۶)، *استضعاف و استکبار از دیدگاه امام خمینی (ره)*، دفتر چهلم (تبیان)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- نوید، مهدی (۱۳۷۴)، *فرهنگ و مقاومت فرهنگی*، تهران، انتشارات فلق.
- وطن دوست، رضا (۱۳۸۹)، *وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- الهی، همایون (۱۳۸۷)، *شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم*، تهران، انتشارات قومس.